

ماجراهای

جورج میمون بازیگوش

# به پیک نیک می رود



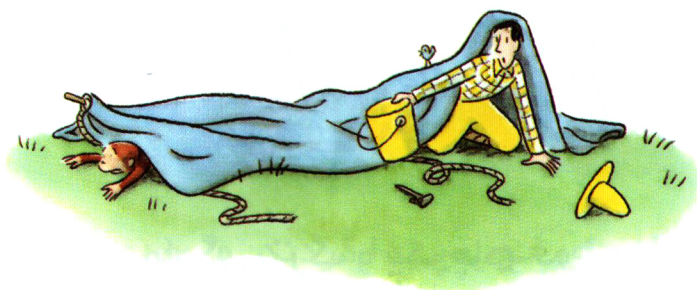
مارگرت و اچ.آ.ری



جورج از اینکه کمک می کرد خوشحال بود. او فکر می کرد کار ساده‌ای است.



ولی این طور نبود.



دوستش گفت: جورج، این سطل را ببر و پر از آب کن؟  
برای پختن غذا آب لازم داریم."